

فصلنامه علمی - پژوهشی روانشناسی دانشگاه تبریز

سال سوم شماره ۱۰ تابستان ۱۳۸۷

## بررسی تأثیر روش تدریس یادگیری مشارکتی بر عزت نفس، مهارت‌های اجتماعی و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان (دبیرستان)

دکتر فریدون یاریاری - استادیار روانشناسی دانشگاه تربیت معلم تهران

دکتر پروین کدیور - استاد روانشناسی دانشگاه تربیت معلم تهران

محمد میرزاخانی - فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد رشته روانشناسی دانشگاه تربیت معلم تهران

چکیده:

به منظور بررسی تأثیر روش تدریس یادگیری مشارکتی بر عزت نفس، مهارت‌های اجتماعی و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان پسر سال سوم متوسطه شهرستان ماهشان در درس روانشناسی ۹۹ دانش‌آموز از بین دبیرستان‌های پسرانه این شهرستان به صورت تصادفی انتخاب شد. پس از هم‌تاسازی آزمودنی‌ها یک کلاس به‌عنوان گروه آزمایش و یک کلاس به‌عنوان گروه کنترل مورد بررسی قرار گرفت. حجم نمونه بعد از هم‌تاسازی دانش‌آموزان دو گروه، به ۲۰ نفر در هر کلاس رسید. روش تدریس یادگیری مشارکتی به مدت یک نیمسال تحصیلی در گروه آزمایش اجرا شد و گروه کنترل به شیوه سنتی آموزش دید. نتایج مقایسه پیش‌آزمون و پس‌آزمون نشان داد که روش یادگیری مشارکتی بر مهارت‌های اجتماعی و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر مثبتی گذاشت اما چنین تأثیری بر عزت نفس دانش‌آموزان مشاهده نگردید. **واژه‌های کلیدی:** یادگیری مشارکتی، مهارت‌های اجتماعی، عزت نفس، عملکرد تحصیلی.

کارایی آموزش و پرورش نه تنها در گروهی غنای برنامه‌ها و روش‌های آموزشی و آمار فارغ‌التحصیلان با معلومات بالاست، بلکه از آن مهم‌تر در گروه شناخت ابعاد گوناگون روانشناختی دانش‌آموزان و شکوفا ساختن استعدادهاى آنها است: دانش‌آموزانى که در وهله نخست به خویشتن اعتماد داشته باشند و با پذیرفتن ارزش وجودی خویش، قدرت پذیرش دیگران را بیابند و از ایجاد ارتباط اجتماعی سالم با آنها لذت ببرند (کدیور، ۱۳۸۱).

در روش‌های سنتی، که امروزه از آنها به عنوان روش‌های غیر فعال یاد می‌شود، معلم نقش فعالی در جریان تدریس دارد و مطالب را به‌طور شفاهی در کلاس بیان می‌کند و دانش‌آموزان بدون نقشی فعال فقط باید به صحبت‌های او گوش دهند و مطالب مورد نظر را حفظ کنند. در چنین شرایطی زمینه‌های لازم برای رشد اجتماعی شخصیت فراگیران فراهم نمی‌شود و حتی پیشرفت تحصیلی و رشد فکری آنها نیز تحت تأثیرات نامطلوب این شرایط قرار می‌گیرد. به همین دلیل امروزه موضوع روش‌های آموزشی فعال و یادگیرندگان فعال جایگاه ویژه‌ای در مباحث تربیتی پیدا کرده است. البته عوامل متعددی مانع رشد اجتماعی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان می‌شود که روش‌های آموزشی غیرفعال یکی از این عوامل است (کرامتی، ۱۳۸۱).

روش‌های سنتی آموزش، محیط کلاس را به‌عنوان جایی در نظر می‌گیرند که نقش معلم تنها ارائه اطلاعات به دانش‌آموزان است. دانش‌آموزان به صورت انفرادی یا رقابتی کار می‌کنند. در این روش دانش‌آموزان عموماً در تلاشند که نمره خود را بالا برند. در این کلاس‌ها اهداف، فردی است و این در تضاد با کلاس‌های مشارکتی است. یادگیری مشارکتی یک روش آموزشی است که در آن دانش‌آموزان در گروه‌هایی برای رسیدن به اهداف مشترک، کار می‌کنند. از سویی، مدارس امروز نیاز به آموزش مهارت‌های اجتماعی به دانش‌آموزان را احساس می‌کنند؛ در حالی که تعدادی از دانش‌آموزان به صورت طبیعی در مهارت‌های اجتماعی ماهر هستند، بسیاری از آنها احتیاج به

یادگیری این مهارت‌ها دارند (هیل<sup>۱</sup>، ۲۰۰۰). یکی از روش‌های آموزش فعالی که امروزه مورد توجه صاحب‌نظران تعلیم و تربیت قرار گرفته، یادگیری مشارکتی است.

اصطلاح یادگیری مشارکتی مربوط به روشی است که طبق آن دانش‌آموزان در سطوح مختلف عملکرده، در گروه‌های کوچک برای رسیدن به اهداف مشترک فعالیت می‌کنند. این دانش‌آموزان به همان اندازه که در برابر یادگیری خودشان مسئول هستند، نسبت به یادگیری دیگران نیز تعهد دارند (گاکهال<sup>۲</sup>، ۱۹۹۵).

در زمینه یادگیری مشارکتی تحقیقات زیادی انجام گرفته است. به طور مثال اسلاوین در سال ۱۹۹۰ با بررسی و تجزیه و تحلیل دقیق ۲۵ تحقیق انجام شده در این زمینه گزارش کرد که اکثر تحقیقات مذکور، تأثیر مثبت یادگیری مشارکتی را بر روابط بین فردی، پذیرش هم‌کلاسی‌های دچار عقب‌ماندگی تحصیلی، افزایش دوستی بین دانش‌آموزان، افزایش عزت نفس، علاقه‌مندی به مدرسه و موضوعات مورد مطالعه، افزایش توجه به تکلیف و زمان اختصاص یافته به تکلیف و توانایی انجام کار مؤثر با دیگران را مورد حمایت و تأیید قرار داده‌اند (مشهدی، ۱۳۸۱).

عزت نفس مؤلفه‌ای است که تحت تأثیر محیط آموزشی قرار دارد و وجود آن بر همه سطوح زندگی اثرگذار است. در حقیقت، بررسی‌های گوناگون روانشناختی حاکی از آن است که چنانچه عزت نفس ارضا نشود، نیازهای گسترده‌تری نظیر آفریدن و پیشرفت ارضا نمی‌گردند (کلمز<sup>۳</sup>، ۲۰۰۰، ترجمه علیپور، ۱۳۸۰).

آموزش مهارت‌های اجتماعی به نوجوانان، یکی از مهم‌ترین وظایف خانواده و مراکز آموزشی است. چون فرض بر این است که نوجوانان بدون داشتن این مهارت‌ها قادر نیستند در تعامل اجتماعی با سایرین وظایف خود را انجام دهند (بیلمن<sup>۴</sup> و همکاران، ۱۹۹۴).

1- Hill  
3- Cloms

2- Gokhale  
4- Bellman

به علاوه ضعف مهارت‌های اجتماعی، عامل تعیین‌کننده‌ای در افزایش مشکلات روانی کودکان و نوجوانان است و افزایش خشونت، بزهکاری، روی آوردن به مواد مخدر و ترک تحصیل از جمله پیامد کاستی‌های رشد مهارت‌های اجتماعی کودکان محسوب می‌گردد (موت<sup>۱</sup> و همکاران، ۱۹۹۹ به نقل از کرامتی، ۱۳۸۱). تاریخچه پژوهش‌های محدود آزمایشی درباره یادگیری مشارکتی به دهه ۱۹۲۰ میلادی باز می‌گردد، ولی تحقیق در مورد کاربردهای ویژه یادگیری مشارکتی در کلاس‌های درس از اوائل دهه ۱۹۷۰ میلادی آغاز شده است. تحقیقات این نکته را تأیید کرده‌اند که این روش (یادگیری مشارکتی) می‌تواند روی تعاملات اجتماعی دانش‌آموزان، نگرش‌های آنان نسبت به مدرسه و پیشرفت دانش‌آموزان تأثیر مثبتی داشته باشد. زیسک<sup>۲</sup> (۱۹۹۸) در پژوهشی در مورد تأثیر یادگیری مشارکتی بر روی خودپنداره تحصیلی و پیشرفت تحصیلی درس شیمی دانش‌آموزان دبیرستانی، نتیجه گرفت که یادگیری مشارکتی تأثیر مثبتی روی مفهوم خود تحصیلی و پیشرفت تحصیلی در درس شیمی دانش‌آموزان دبیرستانی دارد.

هیل (۲۰۰۰) در پژوهشی با عنوان، یادگیری مشارکتی وسیله‌ای برای بهبود مهارت‌های اجتماعی در بین دانش‌آموزان راهنمایی، به این نتیجه رسید که یادگیری مشارکتی، مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان را بهبود می‌بخشد. گیس<sup>۳</sup> (۲۰۰۳) در مطالعه‌ای تأثیر یادگیری مشارکتی را روی پیشرفت مهارت خواندن در زبان انگلیسی به عنوان یک زبان خارجی و عزت نفس تحصیلی دانش‌آموزان مورد بررسی قرار داد و به این نتیجه دست یافت که روش یادگیری مشارکتی نسبت به روش سخنرانی، پیشرفت مهارت خواندن زبان انگلیسی دانش‌آموزان را به طور چشمگیری افزایش می‌دهد ولی تأثیری روی عزت نفس تحصیلی دانش‌آموزان ندارد.

الخاطب و جمعه<sup>۴</sup> (۲۰۰۲) نیز تأثیر یادگیری مشارکتی را روی عملکرد تحصیلی

1- Moote  
3- Ghaith

2- Zisk  
Jumaa 4- Alkhateb&

دانش‌آموزان پایه هشتم در درس جبر مورد بررسی قرار دادند. نتایج به‌دست آمده تفاوت معناداری بین عملکرد دانش‌آموزان در گروه یادگیری مشارکتی و سنتی نشان نداد.

گابلیز<sup>۱</sup> (۲۰۰۴) تأثیر یادگیری مشارکتی را روی ۲۲۶ دانش‌آموز سال سوم دبیرستان، که در گروه‌های یا ساختار یا بی‌ساختار مشارکتی کار می‌کردند، مورد مطالعه قرار داد. نتایج نشان داد در گروه با ساختار دانش‌آموزان یک همبستگی گروهی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی قوی‌تری در آموزش همدیگر، نسبت به همسالان خود در گروه‌های بی‌ساختار نشان دادند.

وینستون<sup>۲</sup> (۲۰۰۲) در پژوهشی که با عنوان تأثیرات یادگیری مشارکتی روی پیشرفت و نگرش دانش‌آموزان پایه پنجم در فرهنگ‌های مختلف ایالات متحده آمریکا انجام داد، به این نتیجه رسید که یادگیری مشارکتی، تأثیر مثبتی روی نگرش‌های دانش‌آموزان نسبت به درس ریاضی و پیشرفت تحصیلی آنان در این درس می‌گذارد.

نیکولز<sup>۳</sup> (۲۰۰۲) در مطالعه‌ای، تأثیرات یک شکل از آموزش مشارکتی را روی انگیزش و پیشرفت تحصیلی ۸۰ دانش‌آموز در یک کلاس هندسه دبیرستانی مورد آزمایش قرار داد. نتایج نشان داد دانش‌آموزانی که در گروه یادگیری مشارکتی بودند، نسبت به دانش‌آموزانی که در گروه کنترل بودند، بیشتر کار آمد بوده و یادگیری هدف‌گرایانه‌ای داشتند، نیز برای درس هندسه ارزش بیشتری قائل بودند و پیشرفت تحصیلی بیشتری را نشان دادند.

هالت فرتر و هالت فرتر<sup>۴</sup> (۱۹۹۷) در پژوهشی با عنوان تأثیر کلاس‌های یادگیری مشارکتی در برابر کلاس‌های یادگیری سنتی بر روی عزت نفس دانش‌آموزان به این نتیجه رسید که یادگیری مشارکتی، عزت نفس دانش‌آموزان را افزایش می‌دهد.

1- Gillies  
3- Nichols

2- Winston  
4- Holtfeter&Holtfeter

جانسون و جانسون<sup>۱</sup> (۱۹۹۴) در پژوهشی با عنوان تأثیر یادگیری مشارکتی در ۳۴ دانش‌آموز سرآمد، در زمینه پیشرفت تحصیلی، عزت نفس و نگرش نسبت به مدرسه و موضوع درسی، نتیجه گرفتند که یادگیری مشارکتی، هم در بعد شناختی و هم در بعد عاطفی، تأثیر بهتر و مثبت‌تری بر دانش‌آموزان در زمینه‌های مذکور داشته است.

صیرفی (۱۳۷۶) در پژوهشی با عنوان تأثیر روش تدریس توأم با همکاری بر پیشرفت تحصیلی و سبک‌های اسنادی دانشجویان مراکز تربیت‌معلم به این نتیجه رسید که یادگیری مشارکتی در مقایسه با روش سنتی، موجب پیشرفت تحصیلی بیشتری می‌شود. همین‌طور او بین سبک‌های اسنادی دانشجویان و روش تدریس مشارکتی رابطه معناداری پیدا کرد. بدین معنی دانشجویانی که با روش یادگیری مشارکتی آموزش می‌دیدند، نسبت به دانشجویانی که با روش سنتی آموزش می‌دیدند، از اسنادهای درونی بیشتری استفاده می‌کردند.

ایوبی (۱۳۷۷) در مطالعه‌ای بر روی ۴۶ دانش‌آموز سال سوم دبیرستان با عنوان یادگیری مشارکتی و یادگیری سنتی (متداول) بر پیشرفت درس عربی و حرمت خود دانش‌آموزان دختر پایه سوم متوسطه رشته علوم انسانی منطقه ۱۰ تهران به این نتیجه رسید که یادگیری مشارکتی، بیشتر از یادگیری سنتی موجب افزایش پیشرفت تحصیلی می‌شود. بعلاوه، یادگیری مشارکتی در مقایسه با یادگیری سنتی، موجب افزایش حرمت خود<sup>۲</sup> دانش‌آموزان گردیده است. افزون بر آن مطالعات پی‌گیری نشان داد که پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان گروه آزمایش، که مطالب را از طریق یادگیری مشارکتی آموخته بودند، بیشتر از گروه کنترل بود.

کرامتی (۱۳۸۱) در تحقیقی با عنوان تأثیر یادگیری مشارکتی بر رشد مهارت‌های اجتماعی و پیشرفت در درس ریاضی پایه پنجم ابتدایی، به این نتیجه رسید که یادگیری مشارکتی تأثیر مثبتی در مهارت‌های اجتماعی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان

1- Johnson & Johnson

2- Self esteem

دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی دارد. با وجود این بعضی از تحقیقات در مورد تأثیرات یادگیری مشارکتی بر عزت نفس دانش‌آموزان و پیشرفت تحصیلی آنها نتایج متفاوتی را گزارش نموده‌اند. به‌طور مثال کیم انگ لی و کینگ لیم<sup>۱</sup> (۱۹۹۶) در تحقیق خود با عنوان تأثیر یادگیری مشارکتی روی عزت نفس و جو کلاسی به این نتیجه رسیدند که یادگیری مشارکتی باعث بهبود جو کلاسی می‌شود ولی در مقایسه با روش سخنرانی موجب افزایش عزت نفس دانش‌آموزان نمی‌شود.

مشهدی (۱۳۸۱) در پژوهشی به بررسی تأثیر روش آموزش همیاری (مشارکتی) با روش سنتی بر پیشرفت تحصیلی دانش‌جویان مراکز تربیت معلم و رابطه آن با سبک‌های یادگیری پرداخت و این نتایج را به‌دست آورد: دانش‌جویان گروه یادگیری مشارکتی، نسبت به گروه آموزش سنتی، پیشرفت تحصیلی بهتری دارند. همین‌طور مشخص شد که یادگیری مشارکتی، رابطه مثبت و معناداری با سبک یادگیری مستقل از زمینه دارد.

قلتاش (۱۳۸۳) تأثیر یادگیری مشارکتی بر رشد مهارت‌های اجتماعی ۴۰ دانش‌آموز پایه پنجم ابتدایی را مورد بررسی قرار داد. او به این نتیجه رسید که روش یادگیری مشارکتی تأثیر مثبتی بر رشد مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان دارد.

از پژوهش‌های ذکر شده در زمینه یادگیری مشارکتی این‌گونه استنباط می‌شود که در اکثر این تحقیقات روش تدریس یادگیری مشارکتی، تأثیر مثبتی بر عزت‌نفس، مهارت‌های اجتماعی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان در دوره‌های مختلف تحصیلی مخصوصاً در دوره‌های ابتدایی و راهنمایی دارد. در این پژوهش نیز به بررسی تأثیر روش یادگیری مشارکتی بر عزت نفس، مهارت‌های اجتماعی و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان پسر سال سوم متوسطه رشته ادبیات و علوم انسانی در درس روانشناسی پرداخته شده است. با توجه به اهمیت نقش عزت نفس و مهارت‌های اجتماعی در ابعاد

مختلف زندگی افراد و به ویژه رابطه این دو متغیر با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان و به رغم این‌که تحقیقات زیادی در مورد تأثیرات یادگیری مشارکتی در دوره‌ها و رشته‌های مختلف تحصیلی انجام گرفته است، در کشور ما تحقیقات اندکی در این زمینه صورت گرفته است و بیشتر تحقیقات انجام گرفته نیز در دوره‌های ابتدایی و راهنمایی بوده و تحقیقات اندکی در مورد یادگیری مشارکتی در دوره متوسطه انجام شده است. از سویی به دلیل تألیف جدید کتاب روانشناسی سال سوم دبیرستان و این‌که هیچ تحقیقی در مورد تأثیر یادگیری مشارکتی بر عملکرد دانش‌آموزان در این درس صورت نگرفته است، ضرورت دارد که در مورد تأثیرات این روش در دوره متوسطه نیز تحقیقات بیشتری صورت گیرد.

تحقیق حاضر با توجه به هدف «بررسی تأثیر روش یادگیری مشارکتی بر عزت نفس، مهارت‌های اجتماعی و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان پسر سال سوم متوسطه رشته ادبیات و علوم انسانی در درس روانشناسی» به بررسی فرضیه‌های زیر پرداخته است:

- ۱- روش یادگیری مشارکتی بر عزت نفس دانش‌آموزان تأثیر دارد.
- ۲- روش یادگیری مشارکتی بر مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان تأثیر دارد.
- ۳- روش یادگیری مشارکتی بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان در درس روانشناسی تأثیر دارد.

### روش تحقیق

در این پژوهش از روش شبه‌آزمایشی پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل استفاده شده است، زیرا امکان کنترل یا دستکاری متغیرها به‌طور کامل وجود ندارد.



## جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری این پژوهش، دانش‌آموزان پسر سال سوم دبیرستان رشته ادبیات و علوم انسانی در سال تحصیلی ۸۴-۸۳ شهرستان ماهشان از توابع استان زنجان، می‌باشند. تعداد دانش‌آموزان پسر سال سوم رشته ادبیات و علوم انسانی در سال تحصیلی ۸۴-۸۳، ۹۹ نفر هستند که در چهار دبیرستان این شهرستان مشغول به تحصیل بودند.

## حجم نمونه و روش نمونه‌گیری

چون این پژوهش در کلاس‌های طبیعی صورت گرفته است و امکان انتخاب آزمودنی‌ها و جایگزینی آنها در گروه‌های آزمایش و کنترل وجود نداشت، لذا از دوکلاس موجود سال سوم رشته ادبیات و علوم انسانی کل آزمودنی‌ها انتخاب و پس از هم‌سازی یک کلاس به عنوان گروه آزمایشی در معرض متغیر مستقل قرار گرفت، یعنی روش آموزش یادگیری مشارکتی در آن اجرا گردید و کلاس دیگر به عنوان گروه کنترل تعیین گردید و در آن به صورت روش آموزش سنتی، تدریس شد. تعداد دانش‌آموزان گروه آزمایش، ۳۰ نفر بود که یک نفر در آبان ماه ترک تحصیل نمود و در نهایت، حجم گروه آزمایش ۲۹ نفر گردید. تعداد دانش‌آموزان گروه کنترل نیز، ۲۵ نفر بود. بعد از هم‌سازی آزمودنی‌ها تعداد اعضای نمونه در گروه آزمایش و کنترل به ۲۰ نفر رسید.

## ابزارهای اندازه‌گیری

### مقیاس عزت نفس کوپر اسمیت ( فرم آموزشگاهی)

مقیاس عزت نفس به منظور سنجش باز خورد نسبت به خود در قلمروهای اجتماعی، خانوادگی، آموزشگاهی و شخصی فراهم شده است. از جمله ویژگی‌های مثبت این آزمون، ساده و قابل فهم بودن جملات، کوتاه بودن مقیاس و قابلیت اجرای گروهی است. آزمون عزت نفس کوپر اسمیت در ایران توسط دادستان (۱۳۷۱) به نقل از مرویان حسینی (۱۳۷۵) ترجمه و هنجاریابی شده است. آزمون ۵۸ سؤالی کوپر اسمیت،

احساسات، عقاید یا واکنش‌های فردی را توصیف می‌کند و آزمودنی باید به این مواد با علامت‌گذاری در یکی از مربع‌های مربوط به گزینه‌های "بلی" یا "خیر" پاسخ دهد.

پایایی این آزمون بارها در مطالعات مختلف محاسبه شده است. برای مثال، پورسینا، (۱۳۸۲) به ترتیب ضریب پایایی ۰/۸۶، ۰/۸۳، ۰/۸۱، ۰/۸۳ را به‌دست آورده‌اند. در این پژوهش نیز با استفاده از روش آلفای کرونباخ، ضریب ۰/۸۳ به‌دست آمد. مرویان حسینی (۱۳۷۵)، ضریب روایی ۰/۸۶ را برای این آزمون به‌دست آورد.

### مقیاس سنجش مهارت‌های اجتماعی ماتسون<sup>۱</sup>

این مقیاس را ماتسون و همکاران در سال ۱۹۸۳ برای افراد ۴ تا ۱۸ ساله ساختند. فرم اولیه این مقیاس دارای ۶۲ عبارت بود که توسط خیر و یوسفی (۱۳۸۱) تحلیل عاملی شده و به ۵۶ عبارت کاهش یافت. پاسخ‌دهی بر مبنای مقیاس لیکرت با دامنه‌ای از نمره ۱ تا ۵ (هرگز- همیشه) نمره‌گذاری می‌شود. این مقیاس، ۵ مقیاس فرعی در قالب پنج عامل جداگانه دارد که عبارتند از: مهارت‌های اجتماعی مناسب، جسارت مناسب، تکانشی عمل کردن و سرکش بودن، اطمینان زیاد به خود داشتن حسادت و گوشه‌گیری (خیر و یوسفی ۱۳۸۱).

ماتسون و همکاران برای بررسی پایایی مقیاس مهارت‌های اجتماعی از ضریب آلفای کرونباخ و تنصیف استفاده کردند. مقدار ضرایب آلفای کرونباخ و تنصیف به‌دست آمده برای کل مقیاس یکسان و برابر ۰/۸۶ بود. (ماتسون و الندیک<sup>۲</sup>، ۱۹۸۸، ماتسون و همکاران، ۱۹۸۳، ۱۹۹۰، به نقل از خیر و یوسفی، ۱۳۸۱). در این تحقیق، ضریب پایایی ۰/۸۱ برای این مقیاس به‌دست آمد.

### آزمون عملکرد تحصیلی

جهت بررسی عملکرد دانش‌آموزان در درس روانشناسی، یک آزمون معلم ساخته

1- Matson Evaluation of Social Skills

2- Ollendick

مورد استفاده قرار گرفت. برای سنجش عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان در درس روانشناسی یک آزمون ۴۰ سوالی به صورت چهار گزینه‌ای (معلم ساخته) تهیه شد و در اختیار چند نفر از دبیران روان‌ناسی دارای مدرک کارشناسی‌ارشد روانشناسی قرار گرفت و پس از اعمال پیشنهادهای و حذف چند سوال روایی آن تأیید شد. برای به‌دست آوردن ضریب پایایی این آزمون از روش تنصیف استفاده شد و ضریب پایایی  $0/79$  به دست آمد.

### روش اجرا

در مقایسه‌ای که بین نمرات دانش‌آموزان گروه‌های آزمایش و کنترل در مقیاس مهارت‌های اجتماعی و آزمون عزت‌نفس به‌عمل آمد، مشخص شد که بین میانگین نمرات دانش‌آموزان دو گروه در مقیاس مهارت‌های اجتماعی تفاوت معناداری وجود ندارد و واریانس‌های دو گروه همگن می‌باشند. ولی به علت اینکه بین میانگین نمرات دانش‌آموزان دو گروه در آزمون عزت‌نفس تفاوت معناداری وجود داشت، دانش‌آموزان دو گروه از نظر نمره‌ای که در پیش آزمون عزت‌نفس به‌دست آورده بودند، هم‌تاسازی شدند به این صورت که دانش‌آموزانی که در گروه آزمایش و کنترل نمره یکسان یا نزدیک به هم داشتند با هم هم‌تاسازی شدند. برای مقایسه عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان دو گروه در درس روانشناسی، در ابتدا دانش‌آموزان دو گروه از نظر معدل سال دوم دبیرستان باهم هم‌تاسازی شدند. به این صورت که دانش‌آموزانی که معدل سال دوم آنها یکسان یا بسیار نزدیک به هم بود، در داخل دو گروه با هم هم‌تاسازی شدند. برای مقایسه میانگین نمرات دانش‌آموزان در آزمون عزت‌نفس و عملکرد تحصیلی، نمرات دانش‌آموزانی که در این دو متغیر هم‌تاسازی شده بودند، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

در گروه کنترل برای تدریس درس روانشناسی از روش سخنرانی و در گروه آزمایش از روش یادگیری مشارکتی استفاده شد. در استفاده از روش یادگیری مشارکتی از شیوه‌های گروه‌های دانش‌آموزی با سطوح مختلف پیشرفت و روش جیگ ساو<sup>۱</sup> (تقسیم

1- Jigsaw

موضوع به بخش‌های مختلف) استفاده شد. در ابتدا، توسط محقق در مورد اهمیت همیاری، مشارکت، همفکری و اهمیت کسب مهارت‌های اجتماعی در زندگی برای دانش‌آموزان صحبت شد. سپس در مورد روش تدریس یادگیری مشارکتی (چگونگی تدریس، کارهای گروهی، وظایف و مسؤولیت‌های دانش‌آموزان در داخل گروه، نحوه ارزشیابی و غیره) آموزش‌هایی به آنان داده شد. در دو جلسه اول برای آشنایی و آمادگی دانش‌آموزان برای کار گروهی از گروه‌های دو نفره استفاده شد. در جلسات بعدی دانش‌آموزان به گروه‌های چهار نفری تقسیم شدند. اعضای گروه ناهمگن بودند، به این صورت که در داخل هر گروه، یک دانش‌آموز قوی (از نظر تحصیلی) و دو دانش‌آموز متوسط و یک دانش‌آموز ضعیف وجود داشت. برای تدریس فصل اول کتاب روانشناسی به علت عدم آشنایی دانش‌آموزان با مباحث روانشناسی و پیچیدگی مطالب برای آنها، از شیوه تدریس گروه‌های دانش‌آموزی با سطوح مختلف پیشرفت استفاده شد و در فصل دوم و ابتدای فصل سوم، روش جیگ ساو مورد استفاده قرار گرفت. به‌طور خیلی خلاصه در روش جیگ ساو آرانسون، دانش‌آموزان یکی از چهار یا پنج نوع موضوع توزیع شده در بین اعضای گروه را مطالعه می‌کنند. سپس آنها با دانش‌آموزان دیگر گروه‌ها، که موضوعات مشابهی دارند در گروه تخصصی گرد هم می‌آیند و دانسته‌ها و اطلاعات خود درباره آن موضوع را با هم در میان می‌گذارند و بعد از اینکه در مورد آن موضوع خوب تسلط یافتند به گروه‌های اصلی خود باز می‌گردند تا موضع خود را به اعضای تیم خود تدریس کنند. در ابتدای شروع کلاس‌ها پیش‌آزمون یا آزمون‌های مذکور بعمل آمد و بعد از اتمام کلاس‌ها و شروع امتحانات نیمسال اول، پس از آزمون‌ها از هر دو کلاس به عمل آمد و نتایج مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت.

### یافته‌ها

در این قسمت به ارائه داده‌های مربوط به فرضیات تحقیق می‌پردازیم.

نتایج آزمون فرضیه «روش یادگیری مشارکتی بر عزت نفس دانش‌آموزان پسر سال سوم رشته ادبیات و علوم انسانی تأثیر می‌گذارد.» در جدول ۱ آمده است.

**جدول (۱) آزمون t برای مقایسه میانگین نمرات دانش‌آموزان گروه آزمایش و کنترل در آزمون عزت نفس**

گروه	نمونه	میانگین	انحراف معیار	درجه آزادی	t محاسبه شده
آزمایش	۲۰	۳۰/۱۵	۴/۲۹		
کنترل	۲۰	۲۸/۰۵	۴/۰۶	۳۸	۱/۵۹

جدول شماره ۱ نشان می‌دهد که t محاسبه شده برابر با ۱/۵۹ با درجه آزادی ۳۸ و سطح معناداری ۰/۰۵ از t جدول (۲/۰۴۲) کوچک‌تر است. در نتیجه تفاوت میانگین‌های دو گروه معنی‌دار نیست. به عبارتی نتیجه گرفته می‌شود که روش یادگیری مشارکتی بر عزت‌نفس دانش‌آموزان تأثیری نداشته است.

نتایج آزمون فرضیه «روش یادگیری مشارکتی بر رشد مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان پسر سال سوم رشته ادبیات و علوم انسانی تأثیر می‌گذارد.» در جدول شماره ۲ آمده است.

**جدول (۲) آزمون t برای مقایسه میانگین نمرات مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان گروه آزمایش و کنترل**

گروه	نمونه	میانگین	انحراف معیار	درجه آزادی	t محاسبه شده
آزمایش	۲۰	۲۰۵/۸۵	۷/۸۸		
کنترل	۲۰	۲۰۶/۳۵	۱۱/۸۸	۳۸	۴/۸۷

جدول شماره ۲ نشان می‌دهد که t محاسبه شده برابر با ۴/۸۷ با درجه آزادی ۳۸ و سطح معناداری ۰/۰۵ از t جدول (۲/۰۴۲) بزرگ‌تر است. در نتیجه تفاوت بین میانگین‌های دو گروه از نظر آماری معنادار است. به عبارتی می‌توان نتیجه گرفت که

روش یادگیری مشارکتی بر رشد مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان تأثیر می‌گذارد و باعث افزایش آن می‌شود.

آزمون فرضیه «روش یادگیری مشارکتی بر عملکرد دانش‌آموزان پسر سال سوم رشته ادبیات و علوم انسانی در درس روانشناسی تأثیر می‌گذارد.» در جدول شماره ۳ آمده است.

جدول (۳) آزمون t برای مقایسه میانگین نمرات عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان گروه آزمایش و کنترل در درس روانشناسی

گروه	نمونه میانگین	انحراف معیار	درجه آزادی	t محاسبه شده
آزمایش	۲۰	۱/۳۷	۳۸	۳/۴۸
کنترل	۲۰	۲/۹۸		

جدول شماره ۳ نشان می‌دهد که t محاسبه شده برابر با ۳/۴۸ با درجه آزادی ۳۸ و سطح معناداری ۰/۰۵ از t جدول (۲/۰۴۲) بزرگ‌تر است. در نتیجه می‌توان گفت که اختلاف بین میانگین‌های دو گروه از نظر آماری معنادار می‌باشد. به عبارت دیگر نتیجه گرفته می‌شود که روش یادگیری مشارکتی بر عملکرد دانش‌آموزان در درس روانشناسی تأثیر گذاشته است و باعث افزایش آن شده است.

### بحث و نتیجه‌گیری

در این تحقیق تأثیر روش تدریس یادگیری مشارکتی روی عزت‌نفس، رشد مهارت‌های اجتماعی و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان پسر سال سوم دبیرستان در درس روانشناسی، مورد بررسی قرار گرفت و نتایج زیر به دست آمد.

۱- نتایج نشان می‌دهد که میانگین نمرات دانش‌آموزان در آزمون عزت‌نفس در دو گروه آزمایشی و کنترل، بعد از اجرای روش یادگیری مشارکتی تفاوت معناداری با هم نداشته و هر چند نمرات دانش‌آموزان گروه آزمایش در مقیاس‌های عمومی، اجتماعی و

تحصیلی عزت‌نفس در پس‌آزمون افزایش یافته بود ولی این افزایش معنادار نبود. با این که فعالیت‌های تحصیلی یکی از ابعاد مهم تاثیرگذار روی عزت‌نفس دانش‌آموزان است ولی تنها عامل تاثیرگذار بر عزت‌نفس نمی‌باشد.

این یافته، با نتایجی که گیس (۲۰۰۳) و کیم انگ لی و کینگ لیم (۱۹۹۶) به‌دست آورده‌اند همسو بوده و با نتایج به‌دست آمده از تحقیقات، پژوهشگرانی چون، جانسون و جانسون (۱۹۹۳)، هالت فرتر (۱۹۹۷) و ایوبی (۱۳۷۷) همسو نیست.

هنگامی فرد عزت‌نفس بالاتری خواهد داشت که ارزیابی مثبتی از خود نه فقط از لحاظ تحصیلی، بلکه از لحاظ استعداد، ظاهر جسمانی، جاذبه، صلاحیت شغلی و غیره داشته باشد (مددی، ۱۳۸۳).

به علت این که عزت‌نفس در سال‌های اولیه زندگی فرد بنا نهاده می‌شود و والدین نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری عزت‌نفس فرزندانشان دارند و نیز به این علت که دانش‌آموزان قبل از ورود به دبیرستان سال‌های زیادی را در دوره ابتدایی و راهنمایی سپری کرده‌اند، امکان دارد عزت‌نفسی که فرد در طول این سال‌ها کسب می‌کند در سال‌های بعدی (سنین دبیرستان) کمتر تغییر کند و مخصوصاً دانش‌آموزانی که عزت‌نفس پایینی دارند نیاز به زمان طولانی داشته باشند تا عزت‌نفسشان افزایش یابد.

۲- باتوجه به نتیجه‌ای که از این تحقیق به‌دست آمد، میانگین نمرات مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان گروه آزمایش بعد از اجرای روش یادگیری مشارکتی، به‌طور معناداری از گروه کنترل بیشتر بود. بنابراین، شاید بتوان نتیجه گرفت که روش یادگیری مشارکتی تاثیر مثبتی روی رشد مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان دارد.

نتایج این تحقیق با نتایج به‌دست آمده از محققانی چون گابلیز (۲۰۰۴)، استونس و اسلاوین (۱۹۹۵)، کوهن (۱۹۹۸)، قلتاش (۱۳۸۳)، کرامتی (۱۳۸۱)، همخوانی دارد.

به نظر می‌رسد همیاری در یادگیری مشارکتی زمینه مناسبی را برای رشد مهارت‌های اجتماعی و همدلی با دیگران فراهم می‌سازد و رفتار مغل نظم را تا حدود زیادی کاهش و نیز احساس مثبت دانش‌آموزان را نسبت به یکدیگر و نسبت به خود افزایش می‌دهد و مسئولیت فرد را در قبال یادگیری خود بیشتر می‌کند. همچنین احساس همدردی دانش‌آموزان نسبت به دیگران را افزایش داده، تنش‌های میان گروهی و رفتار پرخاشگرانه و ضد اجتماعی را کاهش می‌دهد و تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر کیفیت قضاوت اخلاقی آنان دارد (جویس و همکاران ۲۰۰۴، ترجمه بهرنگی، ۱۳۸۶). تعاملات رو در رو افراد را مجبور به گوش دادن می‌کند، آنها را وادار می‌کند که در زمینه ارزشیابی از عملکرد همکلاسان خود دقیق باشند، موجب می‌شود دانش‌آموزان بی‌توجه به درس، گوشه‌گیر و کم‌حرف فعال شوند، از یکدیگر سؤال کنند، مطالب درسی را توضیح دهند، مواردی را به یکدیگر پیشنهاد کنند، از یکدیگر انتقاد کنند و با عقاید یکدیگر مخالفت و یا موافقت کنند (کوهن، ۱۹۹۵ به نقل از کرامتی کرامتی، ۱۳۸۱).

گروه‌های یادگیری مشارکتی، دانش‌آموزان را بر اساس پایگاه کلاسی، نژاد یا جنسیت جدا نمی‌کنند. یادگیری مشارکتی یک روش همسال محور است که عملکرد تحصیلی را بالا می‌برد و ارتباطات اجتماعی مثبت را پایه‌گذاری می‌کند (ساپون و شوین<sup>۱</sup>، ۱۹۹۴).

۳- براساس نتیجه به‌دست آمده در این پژوهش، میانگین نمرات دانش‌آموزان گروه آزمایش در درس روانشناسی بعد از اجرای روش آزمایشی (یادگیری مشارکتی) به‌طور معناداری از گروه کنترل بیشتر بود. بنابراین، می‌توان ادعا کرد که روش یادگیری مشارکتی، روی عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان مؤثر بوده است. این نتیجه با نتایج تحقیقاتی که روی پیشرفت تحصیلی توسط محققانی چون: گیس (۲۰۰۳) استونس و



اسلاوین<sup>۱</sup> (۱۹۹۱)، الخاطب و جمعه (۲۰۰۲)، وینستون<sup>۲</sup> (۲۰۰۲)، جانسون و جانسون (۱۹۹۳)، کرامتی (۱۳۸۱)، کنعانی (۱۳۷۸)، ایوبی (۱۳۷۷)، انجام گرفته است، همخوانی دارد. زیرا یکی از ویژگی‌های یادگیری مشارکتی تشکیل گروه‌های یادگیری و آموزشی است که هم نیاز دانش‌آموزان را برای با هم بودن تأمین می‌کند و هم از این طریق به دانش‌آموزانی که در فهم مطالب درسی دچار مشکل می‌شوند، کمک می‌نماید. زیرا گروه‌های آموزشی در روش یادگیری مشارکتی موظفند از یادگیری مطالب توسط تمامی اعضای گروه اطمینان حاصل نمایند (اسلاوین ۱۹۹۲ ترجمه فقیهی، ۱۳۷۱).

شاران (۱۹۸۰) علت پیشرفت تحصیلی در روش یادگیری مشارکتی را این می‌داند که یادگیری مشارکتی انگیزه درونی دانش‌آموزان را بالا می‌برد و از آنجا که انگیزش درونی بیش از انگیزش بیرونی دانش‌آموزان را به فعالیت و می‌دارد، باعث پیشرفت و موفقیت آنان می‌شود.

اسلاوین (۱۹۹۵) علت افزایش پیشرفت تحصیلی در روش‌های تدریس مشارکتی را تأثیر اهداف گروهی می‌داند، زیرا اهداف گروهی افراد را مسؤولیت‌پذیرتر می‌کند و رفتار همکاری آنها را تقویت می‌نماید و به آنها نظم و یکپارچگی می‌دهد. در این روش دانش‌آموزان به اندازه‌ای در مقابل پیشرفت یکدیگر احساس مسؤولیت دارند که گویی برای پیشرفت خود تلاش می‌کنند، زیرا موفقیت گروه در دستیابی به هدف مستلزم این است که هر یک از اعضا مطالب آموزشی را فرا گرفته باشند. (استونس، اسلاوین و فارنیش، ۱۹۹۱).

حاصل مطالعات پژوهشی بسیار، نشانگر این امر است که یادگیری از طریق همیاری نسبت به یادگیری انفرادی و یا رقابتی در افزایش موفقیت‌های تحصیلی دانش‌آموزان به همراه رشد ادراک آنها مؤثرتر بوده است (جانسون و جانسون، ۱۹۸۹). زیرا آنها اولاً از لحاظ شناختی با تمرین شفاهی یا بلند صحبت کردن فکر خود را در تقابل با آراء

1- Stevens & Slavin

2- Winston

دیگران و مباحثه اصلاح می‌کنند. ثانیاً دانش‌آموزان در فعالیت‌های گروهی اغلب در سطوح بالاتر یادگیری درگیر می‌شوند (سطوح کاربرد، تجزیه و تحلیل و ارزیابی)، اما در مباحثه کلی در کلاس که عمدتاً به سطح دانش و درک پرداخته می‌شود، چنین نیست (جانسون و جانسون ۱۹۸۹).

یادگیری مشارکتی به جهت افزایش فرا شناخت دانش‌آموزان، یادگیری آنها را بالا می‌برد. فراگیران موفق دارای دانش فراشناختی درباره خود، تکالیف یادگیری که با آن روبه‌رو می‌شوند و راهبردهای انجام تکالیف می‌باشند. بحث کردن، پرسیدن، توضیح دادن، خلاصه کردن و اصلاح کردن، که قسمت‌هایی از یادگیری مشارکتی‌اند، دانش‌آموزان را در موقعیتی قرار می‌دهند که همیشه در حال تجربه فرا شناخت باشند. دارا بودن تجارب فرا شناختی بدان معناست که فرد به‌طور فعال نسبت به آنچه می‌داند و آنچه نمی‌داند آگاه است و این امر برای این که دانش‌آموزان، یادگیرندگان مؤثری گردند بسیار ضروری است.

تاریخ دریافت نسخه اولیه مقاله : ۸۷/۰۲/۰۶

تاریخ دریافت نسخه نهایی مقاله : ۸۷/۰۳/۲۸

تاریخ پذیرش مقاله : ۸۷/۰۴/۱۲

## References

## منابع

- اسلاوین، رابرت. (۱۹۹۲). جمع‌بندی تحقیقات انجام شده پیرامون یادگیری مشارکتی، ترجمه فاطمه فقیهی (۱۳۷۱). فصلنامه تعلیم و تربیت شماره ۲ مسلسل ۳۰.
- ایوبی، حسن. (۱۳۷۷). مقایسه یادگیری مشارکتی، یادگیری سنتی (متداول) بر پیشرفت تحصیلی و حرمت خود دانش‌آموزان. دختر پایه سوم متوسطه رشته علوم انسانی پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی.
- پورسینا، مجید. (۱۳۸۲). بررسی و مقایسه عزت‌نفس، افسردگی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان پسر خانواده‌های طلاق و عادی در مقطع راهنمایی شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت معلم.
- جویس بروس و همکاران. (۱۳۸۱). الگوهای جدید تدریس ۲۰۰۰، ترجمه محمدرضا بهرنگی، نشر کمال تربیت.
- خیر، محمد؛ یوسفی، فریده. (۱۳۸۱). بررسی پایایی و روایی مقیاس سنجش مهارت‌های اجتماعی ماتسون و مقایسه عملکرد دختران و دبیرستانی پسران در این مقیاس، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، شماره دوم.
- صیرفی، ناهید. (۱۳۷۶). تأثیر روش تدریس توأم با همکاری بر پیشرفت تحصیلی. سبک‌های اسناد دانشجویان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی.
- قلتاش، عباس. (۱۳۸۳). بررسی تأثیر یادگیری مشارکتی بر رشد اجتماعی دانش‌آموزان پسر پایه پنجم ابتدایی شهر کرمان در سال تحصیلی ۱۳۸۲-۱۳۸۳. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت معلم.
- کدیور، پروین. (۱۳۸۱). روانشناسی تربیتی، تهران، انتشارات سمت.
- کرامتی، محمدرضا. (۱۳۸۱). بررسی تأثیر یادگیری مشارکتی بر رشد مهارت‌های اجتماعی و یادگیری درس ریاضی دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی. پایان‌نامه دکترای برنامه‌ریزی دانشگاه تربیت معلم.

کلمز، هریس و همکاران، (۱۳۸۱). روش‌های تقویت عزت‌نفس در نوجوانان، ترجمه پروین علیپور. انتشارات آستان قدس رضوی.

کنعانی، شهناز. (۱۳۷۸). مقایسه تأثیر روش تدریس مشارکتی با آموزش سنتی (سخنرانی). بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دختر و پسر پایه اول متوسطه شهرستان رشت. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی.

مددی، زهرا. (۱۳۸۳). مقایسه مهارت‌های اجتماعی، عزت نفس و پیشرفت درسی بین دانش‌آموزان کلاس‌های چندپایه و عادی در دوره ابتدایی سال تحصیلی ۸۳-۸۲، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت معلم تهران.

مرویان، حسینی. رضا. (۱۳۷۵). مقایسه مشکلات روانی، رشد اجتماعی و عزت‌نفس دانش‌آموزان با اختلالات خواندن و نوشتن و دانش‌آموزان عادی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، دانشگاه تربیت معلم.

مشهدی، حمیدرضا. (۱۳۸۱). مقایسه تأثیر روش آموزش از طریق همیاری (مشارکتی) با روش سنتی بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان مراکز تربیت معلم و رابطه آن با سبک‌های شناختی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت معلم تهران.

Alkhateb, H.M. & Jumaa, M. (2002). Cooperative Learning and Algebra Performance of Eight Grade Students in United Arab Emirates. *Journal of Contemporary Educational Psychology*, V.6, pp. 245-257.

Bellman, A and Others. (1994). Effects of Social Competence in Children, *Journal of Clinical Child Psychological*, V. 23, pp. 25-33.

Combs, M.L., & Slaby, D.A. (1997). Social Skill Training with Children. *Advances in Clinical Child Psychology*, V.1, pp, 161-201.

Cohen. G. (1998). Making Cooperative Learning Equitable. *Educational Leadership*, V. 56. pp,18-22.

Cooper, J., & Robinson, P. (1998). Small Group Instruction: An Annotated Bibliography of Science, Mathematics, Engineering, and Technology Resources in Higher Education. (*Occasional Paper No. 6*). Madison:

- ▶ فصلنامه علمی - پژوهشی روانشناسی دانشگاه تبریز  
▶ سال سوم شماره ۱۰، تابستان ۱۳۸۷
- 

- University of Wisconsin-Madison, National Institute for Science Education.
- Gaith, G.M. (2003). The Relationship between Cooperative Learning, Perception of Social Support and Academic Achievement. *Journal of System*, V.30, pp.263-273.
- Gillies, R.M. (2004). The Effect of Cooperative Learning on Junior High School Student during Small Group. *Journal of Learning and Instruction*, V.14, pp.197-213.
- Gokhal, A .(1995). Collaborative Learning Enhances Critical Thinking. <http://scholar.lib.vt.edu/journals/JTE/jte-v7n1/html>. [www.wcer.wisc.edu/nise/](http://www.wcer.wisc.edu/nise/)
- Hill, K.A . (2000). Cooperative Learning as a Mean of Improving Social Skill Among Middle Grade Student. <http://www.Usoc.k12.ut.us/oals2000/Kathy-hill-cooperativeLearning.htm>
- Holtfreter, R.E. & Holtfreter, ( 997). Traditional Lcture Vrsus a Coperative Larning Cassroom: An Empirical Study to Determine the Differences in Self Esteem of Student .[htm://www.teach-nology.com](http://www.teach-nology.com).
- Johnson, D., & Johnson, R. (1994). Constructive Cnflct in Shoools. *Journal of Social Issues*, V. 50 , pp .117-137
- Johnson, & Johnson, R. (1989). ooperative and Cmpetition: Teory and Rsearch Dina, N: Nteraction Book Company Kim, E.L . & Keng. L. (1996). Effect of Cooperative Learning Structure on Self Esteem and Classroom Climate in SocialStudies. <http://204.184.214.251/coop/ecoopmain.html>.
- Klein, J.D., Erchul, A. & Pridemere, R. (1995). Effect of Individual Versus Cooperative Learning and Type of Reward on Performance and Continuing Motivation. *Journal of Contemporary Educational Psychology*, V.19, pp.24-32.
- Matson, J.L. (1990). Matson Evaluation of Social Skill with Youngsters: *Manual. Worthington, OH: International Diagnostic System.*

- Nichols, J.D. (2002). The Effect of Cooperative Learning on Student Achievement and Motivation in a High School Geometry Class. *Contemporary Educational Psychology*, V.21, pp.467-476.
- Sapon-Shevin, M. (1994). Cooperative Learning and Middle Schools: What Would it Take to Really Do it Right? Theory into Practice, V.33, pp. 63-65.
- Sharan, S. (1980). Cooperative Learning in Small Groups: Research Methods and Effect on Achievement, Attitudes and Ethnic Relations. *Review of Educational Research*, V. 50, pp. 241-271.
- Slavin, R. (1990). Research on Cooperative Learning: Consensus and Controversy. *Educational Leadership*, V. 47, pp. 52-55.
- Slavin, R.E. (1995). Research on Cooperative Learning and Achievement: What We Now, What We Need to Now.
- <http://www.scov.csos.jhu.edu/safa/cooplear.html>
- Stevence, R.J., Slavin, R.E. & Farnish, A.M. (1991). The Effect of Cooperative Learning and Direct Comprehension Strategies on Main Idea. *Journal of Educational Psychology*, V. 77, pp. 53-59.
- Stevence, R.J., & Slavin, R.E. (1995). The Cooperative Elementary School: Effect on Students Achievement, Attitudes, and Social Relations. *American Educational Attitudes Journal*, V. 32, pp. 321-351.
- Winston, V. (2002). Effect of Cooperative Learning on Achievement and Attitude Among Student of Color. *Journal of Educational Research*, V. 95, pp. 220-229.
- Zisk, T.F. (1998). The Effect of Cooperative Learning on Academic Self Concept and Achievement of Secondary Chemistry Student. <http://www.aare.edu.au/96pap/leeke96.512>.